

سیره و رفتار سیاسی حضرت زهرا^۳ با تأکید بر وحدت امت اسلامی

سید آصف کاظمی^۱ جواد جعفری^۲

چکیده

در مثنی معصومین: هیچ تفکیکی بین سیاست و وظایف آنها نیست آنان سیاستمدارترین بندگان الهی هستند. یکی از معصومین ام اللائمہ النجباء حضرت فاطمه زهرا^۳ است که با توجه به اوضاع و حوادث سیاسی معاصر آن حضرت، به ویژه بعد از رحلت پیامبر عظیم الشان^۹ وضعیت سیاسی بسیار آشفته بود و حوادثی ناگواری برای حضرت زهرا اتفاق افتاد و از طرفی منجر به خانه نشینی امیرالمؤمنین^۷ گردید. نوشتار «سیره و رفتار سیاسی حضرت زهرا^۳ با تأکید بر وحدت اسلامی» تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که حضرت زهرا چه سیره و رفتارهای سیاسی در زندگی به ویژه بعد از رحلت رسول خدا داشته اند؟ نتایج بحث که بر پایه منابع موجود شکل گرفته است نشان می دهد که سیره و رفتار سیاسی آن حضرت، رفتار حکیمانه، مدبرانه همچون طبیب دلسوز برای جامعه اسلامی بود و اقدامات و رفتارهای ارزشمندی را انجام داد که جامعه اسلامی را در مسیر هدایت و سعادت قرار دهد. حمایت و دفاع از ولایت، موضع گیری نسبت به گرفتن بیعت اجباری از علی^۷، آشکارسازی پیامدهای کنار گذاشتن علی^۷ از خلافت، مسئله فدک و مطالبه آن، وصیت سیاسی، مبارزه منفی، استیضاح و محاکمه دستگاه خلافت، آگاه سازی از فتنه و مهار آن، شناساندن اهل بیت و حکمت پیروی از آنان، الگویی برای مشارکت سیاسی زنان و تلاش برای وحدت امت اسلامی از جمله سیره و رفتار سیاسی آن حضرت به شمار می آید.

واژگان کلیدی

ولایت، مبارزه منفی، استیضاح خلافت، الگویی مشارکت سیاسی زنان، وحدت اسلامی.

۱. دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، kazemi.asef@gmail.com تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۰/۸- تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.

۲. کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفیٰ^۹ العالمیه.

مقدمه

قول و فعل و تقریر معصوم: در اندیشه شیعی حجت است و حضرت زهرا^۳ نیز به عنوان یکی از معصومین، مادر یازده معصوم، زن الگو و عالمه پذیرفته شده است و به سند عامه و خاصه مورد احترام و توجه پیامبر^۹ بوده است. بررسی رفتارهای آن حضرت به عنوان زنی از خاندان رسالت و امامت ضرورت و اهمیت بیشتری دارد که آن حضرت همانند دیگر معصومین: دارای ابعاد همه جانبه زندگانی دنیوی و معنوی بودند. در این تحقیق رفتارهای سیاسی ایشان به ویژه حمایت و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین را مورد بررسی قرار می دهیم. از این رو آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم این است که سیره و رفتارهای سیاسی را از تاریخ زندگانی و سیره عملی و نظری آن حضرت استخراج و طبقه بندی کنیم و به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که سیره و رفتارهای سیاسی حضرت زهرا^۳ به ویژه بعد از رحلت رسول خدا چگونه ارزیابی می گردد؟

در این مقاله سعی خواهد شد با مطالعه شیوه ها و رفتارهای سیاسی حضرت فاطمه^۳ مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. رفتار سیاسی عبارت است از فعالیت و رفتارهای سیاسی افراد و پیامدهای آن برای نهادهای سیاسی.^۱ در این مقاله رفتار سیاسی حضرت، به آن دسته از فعالیت ها و مبارزات سیاسی ایشان اطلاق می شود که در قالب ایراد خطبه، اعتراض به غصب فدک و خلافت، سکوت در برابر خلیفه به خاطر وحدت سیاسی و مانند آن صورت گرفته اند. این رفتارها که عمدتاً پس از رحلت حضرت رسول^۹ و به دنبال ماجرای سقیفه بنی ساعده ظهور کردند، حاکی از این است که حضرت زهرا^۳ با آگاهی عمیقی نسبت به مسائل اسلامی و سیاسی، رفتار نمودند و این رفتار و سیره دارای ویژگی الگوپذیری است.

۱. آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۴۴۴.

جایگاه حضرت زهرا (س)

فاطمه ۳ مشهور به فاطمه زهرا (۵ بعثت - ۱۱ق)، دختر پیامبر اسلام^۹ و خدیجه کبری ۳ و همسر امام علی^۷ است. او یکی از معصومان و یکی از پنج تن آل عبا (اصحاب کساء) است. برای فاطمه ۳ القاب متعددی (حدود ۳۰ لقب) یاد شده است. زهرا، صدیقه، مُحدّثه، بَتول، سیده نساء العالمین، منصوره، طاهره، مُطَهَّره، زکیّه، مبارکه، راضیه، مرضیه از مشهورترین القاب فاطمه‌اند.^۱ برای فاطمه ۳ چند کُنیه گفته شده است: اُم آبیها، اُم اللئمه، ام الحسن، ام الحسین و ام المحسن.^۲ بر اساس دیدگاه رایج شیعیان، حضرت فاطمه در سال پنجم بعثت متولد شد.^۳ در منابع شیعه، روز تولد فاطمه ۳ ۲۰ جمادی‌الثانی ذکر شده است.^۴ فاطمه، تنها زن همراه پیامبر^۹ در روز مباهله با مسیحیان نجران بوده است. سوره کوثر، آیه تطهیر، آیه مودت و آیه اطعام و احادیثی چون حدیث بضعه در شأن و فضیلت فاطمه ۳ نازل و نقل شده‌اند. در روایات آمده است که پیامبر^۹، فاطمه ۳ را برترین زن در دو عالم معرفی کرده و خشم و خشنودی او را خشم و خشنودی خداوند دانسته است.

انجام فعالیت‌های اجتماعی و همراهی با پیامبر اسلام^۹ در برخی از جنگ‌ها از جمله فتح مکه از جمله رفتارهای آن حضرت بعد از هجرت بود. فاطمه ۳ در ماجرای سقیفه ضمن مخالفت با اقدام شورای سقیفه، خلافت ابوبکر را غاصبانه خواند و با او بیعت نکرد. او در جریان مصادره فدک و دفاع از خلافت امام علی^۷ خطبه‌ای خواند که به خطبه فدکیه معروف است. وی اندکی پس از رحلت پیامبر^۹ و در جریان هجوم مأموران ابوبکر به خانه‌اش، آسیب دید، در بستر

۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۷۴، ۱۸۷، ۶۸۸، ۶۹۱ و ۶۹۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مسعودی، محمدفاضل، الاسرار الفاطمیه، ص ۴۰۹.
۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۶؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۲.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸؛ طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتهجد، ص ۷۹۳؛ فتال النیشابوری، روضه‌الواعظین، ص ۱۴۳؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ج ۱، ص ۲۹۰.
۴. مفید، محمد بن نعمان، مسار الشیعه، ص ۵۴؛ طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتهجد، ص ۷۹۳.

بیماری افتاد و پس از مدت کوتاهی در ۳ جمادی‌الثانی سال ۱۱ هجری قمری در مدینه به شهادت رسید. پیکر دختر پیامبر^۹ به سفارش خودش شبانه و مخفیانه دفن شد و قبرش هیچ‌گاه مشخص نشد.

در چند ماه پایانی زندگی فاطمه^۳ حوادث ناگواری برای او اتفاق افتاد؛ چنانکه گفته شده در این دوره هیچ کس زهرا^۳ را خندان ندید.^۱ درگذشت پیامبر^۹، ماجرای سقیفه، غصب خلافت، مصادره فدک توسط ابوبکر و خواندن خطبه فدکیه در حضور صحابه^۲ مهم‌ترین وقایع پایانی زندگی اوست. فاطمه در کنار علی^۷ یکی از مخالفان اصلی شورای سقیفه و خلافت ابوبکر بود؛^۴ به همین دلیل مورد تهدید دستگاه خلافت قرار گرفتند که نمونه آن تهدید به آتش زدن خانه فاطمه است.^۵ بیعت نکردن علی^۷ و مخالفان ابوبکر و تحصن آنان در خانه فاطمه موجب شد یاران خلیفه به خانه او حمله کنند و در این هجوم فاطمه^۳ به سبب ممانعت از بردن علی برای بیعت اجباری با ابوبکر^۶ آسیب دید و فرزندش سقط شد.^۶ فاطمه^۳ پس از این واقعه در بستر بیماری افتاد و پس از مدت کوتاهی به شهادت رسید.^۸ فاطمه به علی^۷ وصیت کرد مخالفانش نباید در نماز گزاردن بر پیکرش و مراسم تدفین او شرکت کنند و از علی^۷ خواست شبانه وی را دفن کند.^۹ بر اساس دیدگاه مشهور، فاطمه^۳ در ۳ جمادی‌الثانی سال ۱۱ هجری قمری در مدینه به شهادت رسید.^{۱۰} عمر شریف او را هجده سال گفته‌اند.^۱

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۳۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۲۲۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱.

۳. مفید، محمد بن محمد، المقننه، ص ۲۸۹ و ۲۹۰؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۵۳-۳۶۴.

۴. جوهری، احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک، ص ۶۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۷.
۵. ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن عثمان بن خواستی العبسی، المصنّف فی الأحادیث والآثار، ج ۸، ص ۵۷۲.

۶. جوهری، احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک، ص ۷۲-۷۳.

۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹.

۸. طبری (امامی)، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۱۳۴.

۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۷.

۱۰. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدج، ص ۷۹۳؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۰۰.

درباره تاریخ شهادت اختلاف نظر وجود دارد و از چهل شب پس از رحلت پیامبر^۹ تا هشت ماه پس از آن ذکر شده است.^۲ مشهورترین قول نزد شیعه، سوم جمادی الثانی است؛^۳ یعنی نود و پنج روز پس از رحلت پیامبر^۹.^۴

سیره و رفتار سیاسی حضرت زهرا^۳

فاطمه^۳ فعالیت‌های اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی متعددی داشته است. هجرت به مدینه، مداوای پیامبر^۹ در جریان جنگ احد، رساندن آذوقه برای پیامبر^۹ در جنگ خندق^۶ و همراهی‌اش در فتح مکه^۷ از جمله فعالیت‌های آن حضرت قبل از رحلت پیامبر^۹ است؛ اما بیشتر فعالیت‌های سیاسی فاطمه^۳ مربوط به دوران کوتاه زندگی‌اش پس از رحلت پیامبر^۹ است. از مهم‌ترین موضع‌گیری‌های سیاسی وی این موارد است: مخالفت با واقعه سقیفه و انتخاب ابوبکر به‌عنوان خلیفه پس از پیامبر، رفتن به خانه سران مهاجر و انصار برای اقرار گرفتن از آنان در خصوص شایستگی و برتری امام علی^۷ برای خلافت، تلاش برای بازپس‌گیری مالکیت فدک، خواندن خطبه فدکیه در جمع مهاجرین و انصار و دفاع از علی^۷ در ماجرای هجوم به خانه. به باور برخی پژوهشگران، بسیاری از گفتارها و رفتارهای فاطمه پس از رحلت پیامبر^۹ به‌نوعی واکنش سیاسی و اعتراض به غصب خلافت از سوی ابوبکر و طرفداران دستگاه خلافت او بود.^۸

پیامبر
رفتار
سیاسی
فاطمه
زهرا
تاریخ
تکلیف

ص ۳۰۰.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸؛ طبری (امامی)، محمد بن جریر، دلائل الامامة، ص ۱۳۶؛

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲. شهیدی، سیدجعفر، زندگانی فاطمه زهرا (ع)، ص ۱۵۴.

۳. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، ص ۷۹۳.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۹۶؛ ابن کثیر، أبی الفداء اسماعیل بن کثیر السیرة النبویة، ج ۳، ص

۵۸.

۶. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۴۵.

۷. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۲، ص ۶۳۵.

۸. فرهمندپور، فهیمه، سیره سیاسی فاطمه در دانشنامه فاطمی (س)، ص ۳۰۹-۳۱۶.

الف: الگویی برای مشارکت سیاسی زنان

سیره و رفتار حضرت فاطمه^۳ از یکسو به جهت انتساب ایشان به پیامبر^۹، همسری امامت و مادری ولایت و از سوی دیگر برجستگی‌های شخصیتی که در وجود ایشان دیده می‌شود و ایشان را به‌عنوان یک الگو مطرح می‌سازد، حائز اهمیت است. بنا به فرموده حضرت ولی‌عصر (عج) که حضرت، حضرت فاطمه^۳ را به‌عنوان الگویی برای خود معرفی می‌نمایند.^۱ از این رو، رفتار و حرکت سیاسی حضرت زهرا^۳ الگوی مناسبی برای مشارکت اجتماعی و سیاسی برای همه به‌ویژه زنان فراهم ساخت و به همگان فهماندند که دفاع از مکتب و آرمان، زن و مرد نمی‌شناسد و هر کدام باید بر اساس ضرورت‌های موجود، به حمایت از فرهنگ دینی و سیاسی تشیع بپردازند.

یکی از مسائل مهم در مورد زنان مسئله حجاب است که حضرت زهرا^۳ در عین آنکه حجاب کامل را رعایت می‌کرد، حجاب را پرده‌نشینی و انزوای زنان نمی‌دانست، بلکه شواهد بسیاری وجود دارد که آن حضرت حجاب را هرگز دست و پاگیر و مانع تلاش‌های اجتماعی و سیاسی نمی‌دانست. از این رو، در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شرکت فعال داشت. حضرت فاطمه زهرا^۳ در زمان حیات پیامبر^۹ پس از غزوات همچون مکه یار و غم‌خوار پدر و همسر بوده، نقش امدادگر را در درمان جراحات آنان ایفا می‌نمودند.^۲ تهیه نان برای پیامبر^۹ به هنگام حفر خندق در نقش پشتیبانی^۲، حضور در ماجرای مباحله مسیحیان نجران به همراه پیامبر^۹، حضرت علی و حسنین که در قرآن نیز بدان اشاره شده است.^۴ حضور مهم سیاسی ایشان در زمان پیامبر^۹ است. اقدامات اجتماعی، سیاسی حضرت فاطمه^۳ پس از رحلت پیامبر^۹ در حمایت از جریان حامی امامت نیز نمونه‌هایی دیگر از این حضور است.

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۳۲۴.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۹.

۴. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، عیون أخبار الرضا، ۸۱.

ب: مسئله فدک و مطالبه آن

یکی از رفتارهای سیاسی حضرت زهرا، رفتار و برخورد آن حضرت نسبت به مسئله فدک است. با رفتار و سیاست آن بانو، فدک از جایگاه اقتصادی و کشاورزی آن روز جامعه به یک پایگاه سیاسی ممتاز تبدیل گردید.^۱ از این رو رفتار حضرت در خطبه خواندن و حضور ایشان در مسجد در رابطه با فدک یک رفتار و دفاع سیاسی و راستای دفاع و حمایت از ولایت به حساب می‌آید و اگر به زوایا و گوشه‌های پنهان این قضیه نگاه شود معلوم می‌شود که درخواست فدک یک درخواست اقتصادی و مادی صرف نیست بلکه از سخنان حضرت و دیگر ائمه معصومین بر می‌آیند که هدف دفاع از ولایت بوده است.

مسئله حضرت زهرا^۳ برای بازپس‌گیری یک قطعه زمین - هر چند با ارزش - حاضر نبودند این میزان سختی را متحمل شوند و هرگز حاضر به ایجاد دو دستگی در میان مسلمانان نبودند؛ اما با توجه به که ایشان از گوهر عقل و عصمت بهره‌مند بودند و هیچ‌گاه منافع شخصی خود و خانوادگی را بر منافع دینی و اجتماعی ترجیح نمی‌دادند، مقابله و اعتراض ایشان نسبت به حکومت معنایی دیگر را در خود نهفته داشت. هرچند خلیفه اهداف زیادی از جمله اهداف اقتصادی و همچنین شکستن قداست معنوی اهل‌بیت: را در دستور کار خود قرار داده بود،^۲ اما هدف اصلی حضرت زهرا^۳ از بهانه قرار دادن «فدک» ضربه وارد کردن به موقعیت غاصبان و دفاع از ولایت و اسلام بود.^۳ حضرت زهرا در مسئله فدک با بینش سیاسی خویش، متوجه خطری بزرگ‌تر از خطر روم و ایران برای جامعه مسلمانان شده بودند و آن انحراف از مسیر ولایت و امامت بود؛ خطری که مسلمانان را به فرقه‌های مختلف تقسیم نمود و مهم‌ترین عامل اقتدار مسلمانان را - که همان وحدت امت اسلامی و ایمان بود - زیر سؤال برد. از این رو فدک سمبلی از معنایی عظیم است که هرگز در چارچوب قطعه زمین

۱. حامد توسلی، سوده، وضعیت حقوقی فدک، ص ۳۸.

۲. کازرونی، محسن، کوثر قرآن، ص ۲۶.

۳. برای مطالعه اهداف حضرت زهرا (علیها السلام) از درخواست فدک ر.ک: انصاری، محمدباقر، اسرار فدک، ترجمه سیدحسین رجائی، ص ۸۳.

تصاحب شده‌ی حجاز نمی‌گنجد و همین معنا رمزی فدک است که نزاع مربوط به آن را از قالب مخاصمه‌ای سطحی و محدود به جانب قیام و مبارزه‌ای وسیع و پردامنه سوق می‌دهد.^۱

جایگاه ویژه فدک باعث شده بود که دستگاه خلافت این همه اصرار بر گرفتن آن داشته و در تاریخ این همه رد بدل گردیده است، اما نباید از نظر دور داشت که فدک با داشتن موقعیت سیاسی اقتصادی ویژه و تنها بدین منظور مورد درخواست حضرت زهرا و ائمه هدی بوده است، بلکه فدک را می‌توان یکی از سندهای مهم سیاسی تاریخی غصب حقوق (ولایت) دانسته و شاهد بر آزار فاطمه^۳ توسط دستگاه خلافت و نارضایتی دختر رسول خدا از خلافت که نتیجه‌اش در حدیث مشهور زیر رسول خدا که فرمود: فاطمه بضعة منی یؤذینی ما آذاها.

حضرت در خطبه فدکیه می‌فرماید: اگر بگویید من دختر او نبودم که دروغ است؛ همه می‌دانید که من دختر رسول خدا^۹ هستم؛ اگر بگویید ارث نمی‌بری که باز هم با شواهد قرآنی معلوم شد که بیش از ادعایی دروغ نیست؛ اگر بگویید از دو آئین جدا بودیم و از هم ارث نمی‌بریم باز هم باطل است، چون هردوی ما مسلمان بوده‌ایم؛ پس دیگر چه ادعایی دارید، جز دنیاطلبی و حرص به خلافت جاهلانه بر مردم؟ حال که این‌گونه است (و مردم نادان نیز مخالفتی با تو ندارند و ما را یاری نکردند) باشد، این تو و این مرکب خلافت آماده و رحل زده را بگیر و برو تا روز قیامت که در آنجا وعده ماست و چه حکمی بهتر از حکم خدا و چه زمامداری بهتر از رسول خدا^۹ که شاهد و حاضر است و چه موعدی بهتر از روز قیامت که در آن لحظه باطل به زیان خود پی می‌برد، ولیکن پشیمانی او سودی بر حالش نخواهد بخشید و هر خبر (مورد نزاعی) در آنجا، حقیقت معلومی خواهد داشت و شما خواهید دید که خداوند چه کسانی را خوار و ذلیل ساخته و عذابش را بر آن‌ها حلال خواهد ساخت.^۲

علت اینکه حضرات ائمه: اصراری بر پس‌گیری فدک نکردند این است که

۱. صدر، محمد باقر، فدک در تاریخ، ترجمه محمود عابدی، ص ۱۰۶.

۲. وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدَمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ...

این‌گونه استدلال کردند که ظالم و مظلوم هر دو الآن نزد حاکم و قاضی علی الاطلاق است.^۱ مسئله فدک سند ولایت و غضب شدن آن توسط دستگاه خلافت بود بعد از اینکه خلافت و حق غضب شد، اگر قرار بر برگرداندن آن باشد باید حق برگرد یعنی حق ولایت لذا است که امام کاظم^۷ در پاسخ و پیشنهاد برگشت فدک حدود و مرزهای آن را مشخص می‌کند که تمام مملکت اسلامی می‌شد.^۲ از این رو در نگرش شیعه، «فدک» به‌عنوان نمادی از غضب حکومت به شمار می‌آید.^۳

ج: شناساندن اهل بیت و حکمت پیروی از آنان

حضرت در خطبه فدک بحث از فلسفه احکام، فلسفه امامت را در جمله‌ای کوتاه اما پرمعنا چنین ابراز می‌دارند: «طاعتنا نظاماً للمله و امامتنا اماناً للفرقه».^۴ اطاعت ما باعث نظام ملت اسلام و امامت ما امان از تفرقه و پراکندگی قرار داده شده است. این دو فراز کوتاه شامل این حقیقت واحده است که مصون بودن دین و نظام اسلام در گرو وحدت امت اسلامی در امامت و ولایت است. حضرت از طرفی ثمره زحمات پیامبر^۹ در راستای تشکیل حکومت اسلامی را، گرویدن به

۱. عن الدقاق، عن الأسدی، عن النخعی، عن التوفلی، عن علی بن سالم، عن ابیه، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام قال قلت له لم لم یأخذ امیر المؤمنین علیه السلام فذک لما ولی الناس و لای علیه ترکها فقال له لان الظالم و المظلومه قد کانا قدما علی الله عز و جل و اثناب الله المظلومه و عاقب الظالم، فکره ان یسترجع شیئا قد عاقب الله علیه غاصبه و اثناب علیه. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳۹۶؛ ابن طاووس حلّی، علی بن موسی، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۲۵۱؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. ان هارون الرشید کان یقول لموسی بن جعفر خذ فدکا حتی اردها الیک، فیا بی حتی آلی علیه، فقال علیه السلام لا اخذها الا بحدودها، قال و ما حدودها قال ان حدتها لم تردّها. قال بحق جدک انا فعلت. قال اما الحد الاول فعدن، فتغیر وجه الرشید و قال ایها. قال و الحد الثانی سمرقند، فآربد وجهه. قال و الحد الثالث افریقیه، فأسود وجهه و قال هنیه [هیة]. قال و الرابع سیف البحر ما یلی الخزر و ارمینیة. قال الرشید فلم یبق لنا شیء. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۰۱؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۱.

۳. برای مطالعه بیشتر ر. ک: صدر، محمدباقر، فدک فی تاریخ، ص ۲۶ به بعد.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۹۷؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱، ص ۴۶۹.

امامت و ولایت دانسته و از سویی دیگر ولایت و جانشینی را حق اهل بیت: می‌دانند. حضرت با عباراتی کوتاه خاطر نشان می‌کنند که تنها راه ثمربخشی شریعت و حفظ وحدت، پذیرش ولایت اهل بیت: و سرسپردگی عملی بدان می‌باشد. «حضرت در این فراز آیین اسلام را به مجموعه‌ای متشکل از اعضا و ارگان‌های متعدد تشبیه می‌فرمایند که ثمربخشی آن در درجه نخست نیازمند یک نظام فرماندهی است که میان همه زیرمجموعه‌ها تعادل و توازنی نتیجه‌بخش برقرار سازد و در درجه دوم وابسته به انسجام زیرمجموعه‌ها با یکدیگر و هماهنگی کامل آن‌ها با خواسته‌های فرماندهی است.»^۱

تاریخ نیز گواه صادقی بر گفتار حضرت فاطمه^۳ است؛ چرا که جامعه اسلامی بافاصله گرفتن از اهل بیت: و پیروی نکردن از ایشان تاوان سنگینی پرداخت کرد و کار به جایی رسید که پس از گذشت چند سال از رحلت پیامبر^۹ شخص فاجر و فاسقی چون یزید که از اسلام فقط نام آن را همراه داشت، در رأس حکومت اسلامی قرار گرفت و با پدید آوردن فجایعی چون عاشورا و حرّه و ... ننگ ابدی را بر پیشانی جامعه اسلامی حک کرد.

آن حضرت به مقایسه علی^۷ با دیگر مسلمانان و توبیخ آنان می‌پردازد و آسوده طلبی و دنیا زدگی آن‌ها را محکوم می‌کند و می‌فرماید: «مُشَمَّرًا نَاصِحًا مُجَدِّدًا كَادِحًا وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ». (علی) انسان کوشا، دلسوز، تلاشگر و اهل عمل بود، در حالی که شما (مدعیان حکومت در آن هنگام) در آسایش زندگی می‌کردید. و ادامه می‌دهد که: (شما در آن هنگام) در مهد امن، متنعم بودید و منتظر بودید گردش چرخ علیه ما آغاز شود و گوش به زنگ اخبار بودید و هنگام کارزار عقب‌گرد و به هنگام نبرد فرار کردید. حضرت پس از مورد شماتت قرار دادن عاملان اصلی این ظلم و ستم، روی به سوی مردم غفلت زده و سست‌عنصر نموده و می‌فرماید شما که ادعای نصرت دین خدا و یاری فرمان‌های الهی را دارید، چرا در مورد ظلمی که به ما شده ساکت نشست‌اید؟ و با اینکه توان بر آن دارید، هیچ کاری نمی‌کنید؟

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، جامی از زلال کوثر، ص ۱۷۰.

د: استیضاح و محاکمه دستگاه خلافت

از رفتارهای مهم سیاسی فاطمه زهرا^۳ استیضاح دستگاه خلافت و محاکمه رفتار و عملکرد آن است. یکی از انگیزه و اهداف سخنرانی فاطمه^۳ در برابر خلیفه اول به‌خوبی بیانگر این رفتار است. هدف مهم و پیام روشن سخنان فاطمه^۳ در مسجدالنبی، استیضاح دستگاه خلافت، احیای اسلام و رهایی آن از اسارت هوس‌ها و اصلاح مدیریت جامعه و نقش تعیین‌کننده آن در تعالی امت و تأکیدی ویژه بر حفظ سیره عملی پیامبر^۹ در حراست از مقاوم‌ترین پایگاه اسلام بود.

از این رو یکی از مهم‌ترین رفتار سیاسی صدیقه طاهره در قالب انزجار از غاصبان حکومت و استیضاح آنان پدیدار گردید. آن حضرت^۳ پس از رحلت پیامبر^۹، هیچ‌گاه دست از مبارزه نکشیدند، حتی در بستر بیماری به ایراد خطبه و انزجار از کسانی پرداختند که امامت و رهبری را به انحراف کشاندند. سکوت و قهر حضرت زهرا^۳ با خلیفه مسلمانان که تازه بر مسند قدرت تکیه زده بود، موجب رسوایی او نزد مردم می‌شد. پس از غضب «فدک» و ایراد خطبه، غاصبان در صدد کسب رضایت حضرت زهرا^۳ برآمدند تا در میان مردم، مصداق حدیث «انَّ اللّٰهَ یَغْضِبُ لِعْضَبِکَ»^۱ نشوند؛ اما سکوت و قهر حضرت فاطمه^۳ آن‌ها را برای همیشه تاریخ، مصداق این حدیث نبوی ساخت.

بر اساس گزارش‌های تاریخی به‌ویژه خطبه فدک، حضرت زهرا محکمه عدلی برپا ساخت و در هر فرصت که پیش آمد دستگاه خلافت را با آیات قرآن، شواهد تاریخی، وجدان‌های بیدار و... مورد استیضاح قرار داده و دستگاه خلافت را محکوم ساخت. حضرت در این محاکمه عادلانه، تلاش زیادی نمود تا حق ولایت امیرالمؤمنین علی^۷ را مطرح ساخته و مسیر هدایت و وحدت امت اسلامی را هموار سازد که در این زمینه می‌فرمود: «شما از علی چه دیدید که او را ترک کردید»^۲.

حضرت فاطمه^۳ در خصوص فعالیت‌ها و اقدامات غضب‌کنندگان خلافت و

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۷۰.

۲. حامدتوسلی، سوده، وضعیت حقوقی فدک، ص ۱۶۰-۱۶۱.

اهدافشان در باره امت اسلامی می‌فرماید: آنگاه شما درنگ نکردید، مگر به مقداری که چموشی خلافت ساکت شود و افسار شترش، آرام و روان گردد (و در اختیار شما قرار گیرد و خلافت را در دست گرفتید)، پس آتش گیرها را افروخته‌تر کردید و به آتش دامن زدید تا آتش را شعله‌ور کنید. با جان‌ودل به نداهای گمراه‌کننده شیطان پاسخ داده و به خاموش کردن انوار روشن دین و از بین بردن سنت‌های پیامبر مطهر پرداختید و به بهانه خوردن کف و رویه شیر، خود شیر را پنهانی تو دزدکی می‌نوشید (کنایه از تظاهر به چیزی و اراده چیز دیگری)، برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید و بر صدمه‌هایی از شما مثل خنجر بران است و بر فرو رفتن سر نیزه در میان شکم باید صبر کنیم.^۱

زمانی که خلیفه به عیادت سیاسی بود آمد تا روابط میان بیت رسول اکرم^۹ و قدرت حاکمه را بهبود بخشد، ابتدا حضرت این حدیث پیامبر^۹ را یادآوری نمودند: «فاطمه بضعه منی... من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذا الله...»^۲ و سپس فرمودند: «فانی أشهد الله و ملائکته إنکما أسخطتمانی و ما أَرْضیتمانی و لئن لقیْتُ النبیَ لأشکونکما إلیه»^۳. من خداوند و ملائکه‌اش را به اعتراف شما شاهد می‌گیرم که شما مرا به خشم آوردید و راضیم نکردید و هنگامی که در پیشگاه خدا پدرم را دیدار کنم از شما به او شکایت خواهم کرد. همچنین حضرت در پایان عیادت به خلیفه فرمودند: «والله لأدعونَ علیک فی کلِّ صلاهٍ أُصلیها» (همان) به خدا سوگند پس از هر نمازی که می‌خوانم تو را نفرین خواهم کرد.

هـ: مبارزه منفی

یکی از رفتارهای سیاسی زهرای مرضیه^۳، مبارزه منفی آن حضرت است. حضرت با این شیوه نشان دادند که مبارزه تنها به صورت مسلحانه و عملی

۱. ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ [إِلَّا رَيْثٌ] أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تَوْرُونَ وَقَدْتَهَا وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ وَ أَطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ وَ نَصِيرٍ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمَدَى وَ وَخْرِ السِّنَانِ فِي الْحَسَا.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۷۳.

۳. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۱۶.

منحصر نیست، گاه ممکن است مبارزه به شیوه منفی یعنی سکوت، بی‌اعتنایی، عدم تأیید و آشکار ساختن چهره‌های نفاق و استبداد و بیان انحرافات، اثرات بیشتر و عمیق‌تری در راه رسیدن به هدف داشته باشد. همچنین ایشان اثبات نمودند که لزومی ندارد همه مبارزات به سرعت نتیجه دهند، گاهی به ثمر نشستن یک حرکت و انقلاب سالیان درازی به طول می‌انجامد. بنابراین نمی‌توان به بهانه بی‌اثر بودن مبارزه در یک مقطع خاص زمانی، دست از جهاد کشید و در برابر انحرافات ساکت ماند. ایشان در این برهه از زمان با درک مناسب از اوضاع و شرایط جامعه، استراتژی مبارزه منفی را برگزیدند. در این راستا رفتار سیاسی در قالب گریه و مصیبت را انتخاب و «گریه» را به‌عنوان اولین سلاح مورد استفاده قرار دادند. حضرت پس از رحلت پدر و غصب خلافت آن‌قدر گریستند که در تاریخ به «رأس البکائین»^۱ شهرت یافتند. گریه ایشان گریه‌ای هدفمند و به خاطر ظلمی بود که به بشریت شده بود، به سبب به وجود آمدن بدعت‌ها در دین، انحراف جامعه از مسیر صعود، غصب حق از اهل آن و سپردن آن به ناهلان، ظهور آفت نفاق و بی‌تفاوتی، زبونی و ذلت و بالاخره بر آینده بشریت و محرومیت جامعه و نسل‌های آینده از نعمت امامت و ولایت بود. گریه ایشان با ظاهر عاطفی و معنایی عقلایی، برانگیزاننده عواطف و روشنگر اذهان بود.

حضرت در بیان احوال خود، در پاسخ امّ السلمه فرمودند: «در میان انبوه غم و گرفتاری هستم: از دست دادن پیامبر و مورد ستم قرار گرفتن وصی او». این سخن به‌خوبی نمایانگر این مطلب است که ناراحتی ایشان بیشتر به خاطر سرنوشت مسلمانان بوده تا وضعیت روحی خویش. حضرت در جواب دختر طلحه نیز فرمودند: «ای دختر طلحه! آیا از مصیبت و رویداد تلخی می‌پرسی که در همه‌جا انتشار یافته است؟... پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی^۷ پیشی بگیرند. چون موفق نشدند، بغض و کینه علی^۷ را در دل گرفتند. آن گاه که نور دین به خاموشی گرایید و پیامبر^۹ رحلت کرد، آن بغض‌ها و کینه‌ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستم‌ها روا داشتند.»^۲

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۵ و ۱۵۵.

۲. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان فاطمه ۳، ص ۲۴۵.

این گزارش‌ها به وضوح، فلسفه گریستن ایشان پس از رحلت حضرت رسول ^۹ را نشان می‌دهند و ثابت می‌کنند که این گریه‌های علنی نمود یک رفتار سیاسی در مقابل حکومت غاصب می‌باشند؛ زیرا این گریه‌ها و حزن‌ها و بی‌قراری‌ها اولاً، در فراق رسول خدا ^۹ و مقام رسالت و منزلت الهی ایشان بوده است؛ ثانیاً به خاطر از دست رفتن زحمات وی و انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خویش؛ ثالثاً، به خاطر ابراز خشم و ناراحتی از حکومت انحرافی و نشان دادن نگرانی خویش از وضع موجود و بیان این نکته که معیار خشم خدا خشم حضرت زهرا ^۳ می‌باشد؛ بنابراین، گریه ایشان آسایش مردم را بر هم نزد، بلکه هیئت حاکمه را زجر می‌داد. لذا، حاکمان او را از گریه منع می‌کردند.^۱

و: وصیت سیاسی

حضرت زهرا ^۳ هیچ‌گاه دست از مبارزه نکشیدند، حتی در بستر بیماری و در آخرین لحظات عمر مبارک خود با وصیت تاریخی خود آخرین رفتار سیاسی خود را برای اسلام و ولایت انجام داد. در روزگاری که خودکامگان دین‌فروش از غفلت ساده‌لوحان، نهایت بهره‌برداری را نموده و مردم غافل و عافیت‌طلب، اسیر جوسازی‌های سردمداران نیرنگ و فریب، حتی با نهیب بیدارگر دخت پیامبر ^۹ اسلام نیز از خواب گران خود بیدار نشدند، رفتار و تاکتیک هوشمندانه آن حضرت در قالب وصیت سیاسی رخ نمود تا همواره در گذر زمان اسباب بیداری حق‌جویان را فراهم سازد. وصیت سیاسی آن حضرت مبنی بر تکفین و تدفین شبانه، اعلام آشکار نفرت از غاصبان منصب خلافت و اسلام است. وصیتی که تا قیام قائم آل محمد (عج) نشان از مبارزه مستمر جبهه حق علیه باطل است و در گستره زمان، اعلام خشم الهی حضرت فاطمه ^۳ است که رسول خدا ^۹ از آن بر حذر نموده بود. در فرازی از وصیت آن حضرت چنین آمده است: «و ما تشهد احدٌ جنازتی من هولاء الذین ظلمونی و آخذوا حقّی فانهم عدوی و عدوی رسول الله و لاتترک ان یصلی علی احدٍ منهم و لامن اتباعهم و ادفنی فی اللیل اذا

۱. عاملی، سیدجعفر مرتضی، رنج‌های حضرت زهرا، ترجمه محمد سپهری، ص ۳۰۲.

اوهنت العیون و نامت الابصار»؛^۱ نباید احدی از این مردمی که به من ظلم نمودند و حق مرا گرفتند بر جنازه من حاضر شوند، زیرا آنها دشمن من و دشمن رسول خدا هستند و اجازه نده احدی از این جماعت و از یارانشان بر من نماز بگذارند. نگاهی گذرا به وصیت سیاسی حضرت زهرا^۳ نشان می‌دهد که وصیت به مخفی بودن قبر و تدفین ایشان چیزی جز یک مسئله سیاسی نیست؛ زیرا حضرت می‌دانستند که صحابه دیروز و حيله‌گران امروز با شرکت در مراسم تدفین وی، درصدد احراز مشروعیت برای خویش می‌باشند. از این‌رو، با این حرکت سیاسی خود مبنی بر تدفین شبانه و مخفی بودن قبرشان، به همگان فرمودند که مسند حکومت اسلامی برازنده غاصبان بی‌سیاست و منحرفان از خطر رهبری و امامت نمی‌باشد.

ز: حمایت و دفاع از ولایت

از مهم‌ترین سیره و رفتار سیاسی حضرت زهرا حمایت و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین^۷ به شمار می‌رود و بسیاری از رفتارهای دیگر آن حضرت در راستای دفاع از ولایت امیرالمؤمنین به دلیل اهمیت فراوان آن یعنی ادامه مسیر رسالت بودن آن است. از این‌رو یکی از رفتارهای فاطمه زهرا^۳ دفاع و حمایت از پیامبر^۹ به شمار می‌آید.

مسئله «امامت و ولایت و دفاع از آن» مسئله‌ای است که تقریباً تمام بحث‌های مطرح‌شده در خطبه‌های حضرت در راستای روشن‌سازی این جایگاه، چینش و سازمان‌یافته است و این نشان‌دهنده جایگاه مهم این بحث در تفکرات حضرت فاطمه^۳ است. از آنجاکه منصب امامت امری الهی است و خداوند مؤمنین را به اخذ بی‌قید و شرط از پیامبر اکرم^۹ موظف فرموده است: «وما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»^۲، بر اساس احادیث فراوان یکی از مصادیق مهم «وما آتاکم الرسول فخذوه» ابلاغ ولایت و امامت امیرالمؤمنین^۷ است، آن‌چنان که از آن حضرت نقل شده: «قال رسول الله^۹: علی بن ابیطالب^۷ اقدم أمتی سلماً و اکثرهم

۱. همان، ص ۷۱۳.

۲. حشر، ۷.

علماً و اصحهم دیناً و افضلهم یقیناً و احلمهم حلماً و اسمحهم کفأً و اشجعهم قلباً، هو الامام و الخلیفه بعدی»؛ (رسول خدا^۹ فرمود: علی بن ابیطالب پیشروترین امت من در اسلام، عالم‌ترین و صحیح‌ترین در اعتقاد و برترین شان در یقین است. او صبورترین، باتقواترین و شجاع‌ترین فرد امت من است. بعد از من امام، پیشوا و جانشین من است). همچنین در نقلی دیگر فرموده است: «ان الله تبارک و تعالی فرض علیکم طاعتی و نهاکم عن معصیتی و اوجب علیکم اتباع امری و فرض علیکم من طاعة علی بعدی ما فرضه من طاعتی و نهاکم عن معصيته مانهاکم عنه من معصیتی و جعله اخی و وزیر و وصی و وارثی و هو منی و انا منه، حبه ایمان و بغضه کفر و محبه محبی و مبغضه مبغضی و هومولی من انا مولاه و انا مولی کل مسلم و مسلمة و انا و آیاه ابوا هذه الامة»^۲ (همانا خداوند تبارک و تعالی اطاعت من را بر شما واجب گرداند و شما را از عصیان و سرپیچی من نهی فرمود و بعد از من اطاعت از علی^۷ را همانند اطاعت من بر شما واجب گرداند و او را برادر و وزیر و جانشین و وارث من قرار داد. او از من است و من از اویم. محبت او ایمان و بغض نسبت به او کفر است. دوستدار او دوستدار من است و دشمن او دشمن من است؛ او مولا و امیر هر کسی است که من رهبر و امیر اویم و من رهبر تمام مسلمانانم و من و او پدران این امتیم).

لذا ائمه هدی: به منظور حفاظت از امامت به عنوان تداوم دین خاتم و تبیین آن به عنوان امری الهی و نه انتخابی و به منظور اجرای احکام الهی و انجام اوامر نبوی، مبارزاتی مستمر و ممتد داشته‌اند.^۳ هسته اصلی مبارزه سیاسی معصومین: از آغاز ماجرای سقیفه شکل گرفت و شخصیت بی نظیر عالم امکان بعد از خاتم الانبیاء و سیدالاروصیاء یعنی صدیقه طاهره به عنوان سلسله‌جنبان مدافعان این حرکت مبارزاتی در کنار صاحب ولایت وارد مبارزه شد (همان). مبارزه آن حضرات به منظور کسب مقام و موقعیت اجتماعی و عداوت با مخالفان نبود، بلکه به دلیل احیاء دین در اسارت جاه‌طلبی و خودکامگی بود، چرا که مردم در قبال

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۹۰.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. طباطبائی، سید علی، انسان کامل، ص ۲۴۱.

دین و امامت مسئول‌اند و بازخواست خواهند شد: «وَقَفَّوْهُمْ أَنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۱. رسول مکرم اسلام در تبیین این آیه فرموده‌اند: «یعنی ولایه علی بن ابیطالب»^۲. حضرت زهرا^۳ در خطبه شورانگیز خود بعد از تبیین شخصیت آسمانی پیامبر خاتم به تبیین حق و حقوق امیرالمؤمنین پرداخته است. حضرت زهرا^۳ با مخاطب قرار دادن مردم حاضر در مسجدالنبی علاوه بر تحقیر خلیفه که در جلسه حضور داشت، مسلمانان را نسبت به خطر جدی بازگشت ارتجاعی به افکار و اوهام ضد اسلامی هشدار داد. بحران رهبری امت که موجب پیدایش دستگاه خلافت شد، عامل اصلی در ایراد سخنان پرشور دخت نبی مکرم اسلام گشت. امت مسلمان می‌بایست پیروی از علی^۷ را به عنوان رهبر معصوم دینی برمی‌گزید، اما بر اساس نظریه انتخاب جانشین توسط بزرگان قوم که خلیفه را صرفاً رهبر سیاسی امت می‌دانست نه دینی - سیاسی، جامعه یا امت اسلامی را تحت رهبری یک حکومت خلافتی که خیلی زود به یک خلافت متمرکز و موروثی و سلطنت مآب تبدیل شد، سوق داد.^۴

حیات متعالی و پویای جامعه اسلامی در گرو فرمان‌برداری از خدا و رسول خداست و رسول خدا، امام بعد از خود را بر اساس ملاک «عصمت» معرفی نمود و لذا جامعه اسلامی نیازمند به فردی معصوم است که به دور از خطا و اشتباه و گناه، پایه‌های جامعه سعادت‌مند اسلامی را پی‌ریزی و امور آن را هدایت کند. حضرت زهرا^۳ در ادامه سخنان خود با یادآوری کلام رسول‌الله^۹ درباره شخصیت و شأنت حضرتشان و سفارش‌های مؤکد آن حضرت در اینکه خشم و غضب ایشان ملاک و معیار تشخیص باطل است، به معرفی خود می‌پردازد: «ایها الناس اعلموا انی فاطمه و ابی محمد^۹ اقول عوداً و بدواً و لا اقول ما اقول غلطاً و لا افعل ما افعل شططاً»^۴؛ (ای مردم بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد^۹ است، همچنان که

۱. صافات، ۲۴.

۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۱۰؛ فرات کوفی، ابوالقاسم، تفسیر فرات الکوفی، ج ۱، ص ۳۵۵.

۳. همان، ص ۳۱۴.

۴. همان.

در آغاز سخن گفتم بازهم می‌گوییم، نه در گفتارم یاوه می‌گوییم و نه در رفتارم به بیراهه می‌روم). آنگاه آیه «لقد جاء کم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رئوف رحیم»^۱ را تلاوت نمود تا اشتیاق رسول خدا^۹ را بر هدایت امت و خدمات بزرگ آن حضرت را یادآوری نماید و به‌ویژه پس از یادآوری برخی تیره‌روزی‌های اخلاقی و اجتماعی دوران جاهلیت، نقش حیاتی پیامبر اسلام^۹ را در تحول متعالی جامعه آن روزگار متذکر گردد. سپس در بیان مختصات امیرالمؤمنین^۷ و اثبات وصایت آن حضرت چنین فرمود: «مجتهداً فی امرالله، قریباً من رسول الله، سیداً فی اولیاء الله... لاتأخذه فی الله لومه لائم...» (همان)؛ (او در به‌جا آوردن امر خداوند کوشا و به رسول خدا^۹ نزدیک است (نزدیکی از حیث مختصات وجودی و از حیث قرابت)، سرور اولیاء خداست ... که در اطاعت امر خداوند سرزنش هیچ‌کس در او مؤثر نمی‌افتد). آنگاه به پیمان غدیر اشاره فرموده و حقیقت فعل آن مردم را در قبال پیمان رسول خدا^۹ چنین بیان فرمودند: «والعهد قریب... و الرسول لما یقبر ابتداراً زعمتم خوف الفتنه» «آلا فی الفتنه سقطوا و ان جهنم لمحیطه بالکافرین»^۲؛ (دیر زمانی از پیمان غدیر نگذشته است... و پیامبر هنوز دفن نشده بود که به گمان باطل خود برای دوری از فتنه، با یکدیگر به مسابقه پرداختید، درحالی‌که در آتش فتنه سقوط کردند و جهنم بر کافران احاطه دارد).

آنچه می‌توان در پایان افزود این مطلب است که حضرت فاطمه^۳ با ژرف‌نگری در کلام و سیره نظری حضرت زهرا^۳ به‌روشنی می‌توان دریافت که ولایت در دیدگاه ایشان از جایگاه مقدس و رفیعی برخوردار است. «حضرت زهرا^۳ به ولایت به دید موضوعی که پیامبر آن‌هم از جانب خدا اعلام فرموده، می‌نگریست و به همین دلیل جایی برای عقب‌نشینی و کوتاه آمدن نمی‌دیدند»^۳. بنابراین ایشان ولایت را نه تنها یک امر انتخابی و سلیقه‌ای نمی‌دانستند بلکه آن را امری الهی و برخوردار از مصالحی برای امت می‌دیدند و بر اساس «قُم فأنذر»

۱. توبه، ۱۲۸.

۲. توبه، ۴۹.

۳. عابدین زاده، محمد، دفاع زهرا (س) از ولایت، ص ۳۶.

(برخیز و هشدار بده)، عمل به وظیفه هدایتگری و اصلاح انحراف ایجاد شده در جامعه آن روزگار را به منظور اصلاح افکار و اعمال امت مسلمان تا روز قیامت و جهت همت خود ساخته و در این راه در تمام مواضع مقتضی، کلام خود را بر اساس آیات خداوند و نصوص رسول خدا^۹ به نحو موعظه حسنه القاء فرمود و در تمام صحنه‌های سیاسی دوران پس از رحلت رسول مکرم اسلام^۹ با شکوه و اقتدار و در جایگاه هادی ملت برای ادای تکلیفی بزرگ که همانا نجات دین خدا از انحراف بود، به افشای خودکامگی‌ها و جاه‌طلبی‌های مزورانه برخی اصحاب رسول خدا^۹ پرداخت.

سرانجام پس از فراز و نشیب‌هایی دردناک، قرار شد از علی^۷ به‌زور بیعت بگیرند، فاطمه^۳ این صحنه دردناک را چنین فریاد می‌آورد «وَاللَّهِ لَا أَدْعُكُمْ تَجْرُونَ ابْنَ عَمِّي ظَلَمًا وَيَلْكُمْ مَا أَسْرَعَ مَا خُتِمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَقَدْ أَوْصَاكُمْ رَسُولُ اللَّهِ بِاتِّبَاعِنَا وَمَوَدَّتِنَا وَالتَّمَسُّكِ بِنَا. فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲ وَ أَسْفَاهَ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ وَ أَتَّكَلَ حَبِيبِكَ أَبُو الْحَسَنِ الْمُؤْتَمَنُ وَ أَبُو سَبْطِيكَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ مَنْ رَيْبَتْهُ صَغِيرًا وَ أَخَيْتَهُ كَبِيرًا وَ أَجَلَ أَحِبَّاكَ لَدَيْكَ وَ أَحَبُّ أَصْحَابِكَ عَلَيْكَ أَوْلَهُمْ سَبْقًا إِلَى الْإِسْلَامِ وَ مَهَاجِرَةً إِلَيْكَ يَا خَيْرَ الْأَنَامِ فَهَا هُوَ يُسَاقُ فِي الْأَسْرِ كَمَا يُقَادُ الْبَعِيرُ»؛ به خدا قسم، نمی‌گذارم پسرعمویم را این چنین ظالمانه بر روی زمین بکشید. وای بر شما، چقدر سریع در مورد ما به خدا و رسولش خیانت کردید! مگر رسول خدا^۹ شمارا به تبعیت از ما و دوستی با ما و تمسک بر ما اهل‌البیت سفارش نکرد؟ و مگر خداوند در قرآن نفرمود: «ای پیامبر، به مردم بگو من مزد و پاداشی بر رسالت خویش نمی‌خواهم مگر دوستی اهل‌البیت»؟ افسوس بر خیانتی که این مردم نسبت به تو نمودند پدر! و افسوس به تنهایی حبیب، ابوالحسن امین و پدر نوه‌هایت حسن و حسین (ع). کسی که در کودکی پرستارش و در بزرگی برادرش بودی! عزیزترین دوست و نزدیک‌ترین یار تو بود! و آنکه جلوتر از همه اسلام آورده و جلوتر از همه در راه اسلام مهاجرت کرد! هم‌اکنون او در بند به جلو رانده می‌شود، همچنان

۱. مدثر، ۲.

۲. شوری: ۲۳.

که شتر به جلو رانده می شود.^۱

ح: آشکارسازی پیامدهای کنار گذاشتن علی (ع) از خلافت

فاطمه^۳ با علم و دانش خدادادی و با نگرشی ژرف به امور و بصیرت به آن، آینده جامعه مسلمانان را در صورت کنار گذاشتن علی^۷، به عیان مشاهده می کرد. او به حق در این باره می فرماید: وَيَحْتَمُّ (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) «یونس: ۳۵» أَمَا لَعَمْرِي لَقَدْ لَقِيتُ فَنَظْرَةَ رِيثِمَا تُتَّجُّ ثُمَّ احْتَلَبُوا مَلْءَ الْعُقْبِ دَمًا عَيْطًا وَ دُعَا فَا مَبِيدًا هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَبَّ مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ ثُمَّ طَبِئُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَأَطْمَنُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا وَ أَبْشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدِ غَاشِمٍ وَ بَهْرَجِ شَامِلٍ وَ اسْتَبَدَّادٍ مِنْ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيُنْكِمُ زَهِيدًا وَ جَمَعَكُمْ حَصِيدًا فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ أَنَّى بَكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ (أَلْزَمْتُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ)^۲؛ وای بر آنان «آیا کسی که به حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است یا کسی که هدایت نمی شود جز اینکه هدایتش کنند؟ پس شما را چه شده که این قضاوت (نادرست) را می کنید؟» اما سوگند به جانم! زمان آستن حوادثی است که به زودی نتیجه آن را خواهید دید. از پستان شتر پس از این، خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک می کند. آن هنگام است که خسران باطل گرایان و چهره دروغ گویان در پی آنچه گذشتگان اساس آن را نهادند ظاهر می شود و شما هم را به شمشیرهای کشیده و حمله جائر ظالم و متجاوز ستمکار و به هم ریختن امور همگان و استبداد و دیکتاتوری از سوی ستمگران، بشارت می دهم. غنائم و حقوق شما را اندک خواهند داد و جمعتان را به وسیله شمشیرهایشان درو خواهند کرد. پس در آن هنگام بر شماست پشیمانی و حسرت! ولی دیگر فرصت سپری و افقها تاریک شده است. «آیا شما را به هدایت و اداریم، در حالی که شما از پذیرش آن کراهت دارید؟»^۳.

۱. رحمانی همدانی، احمد، الإمام علی بن أبی طالب (ع)، ص ۷۰۹؛ قمی، عباس، بیت الاحزان فی ذکر احوالات سیده نساء العالمین فاطمة الزهراء (س)، ص ۱۱۷؛ لجنة الحدیث فی معهد باقر العلوم (ع)، موسوعة شهادة المعصومین، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. هود: ۲۸.

۳. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۳۵۵؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۳۷۶.

از دید حضرت فاطمه^۳ عدم پذیرش ولایت مطلقه حضرت علی^۷، می‌تواند آینده تاریکی را برای اسلام رقم زند. حضرت دورنمای کلی آینده امت اسلامی را این‌گونه ترسیم می‌کردند: «أَمَّا لِعَمْرِي لَقَدْ لَقَحَتْ فَنظَرَهُ رِيثِمًا تُتَجِّحُ، ثُمَّ إِحْتَلَبُوا طَلَاعَ الْقَعْبِ دَمًا عَبِيطًا وَ ذَعَا فَا مُبِيدًا، هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطَلُونَ، وَيَعْرِفُ التَّالُونَ غَبًّا مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ، ثُمَّ طَيَّبُوا عَن أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَ اطْمَنَّنُوا لَلْفَتْنَةِ جَاشَأً، وَ أَبْشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدِ غَاشِمٍ وَ هَرَجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادِ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيْئُكُمْ زَهِيدًا، وَ جَمْعَكُمْ حَصِيدًا»^۱. سوگند بجانم، کردارشان به بار نشست، اندکی مهلت تا نتیجه دهد و بزاید، آنگاه بجای شیر، خون تازه و سم مهلك بدوشند و قدح را لبریز کنند. در آنجاست که باطل‌گرایان زیان می‌بینند و آیندگان از نتیجه کار گذشتگان آگاه می‌گردند. پس به دست شستن از جاننان آماده شوید و دل برای وقوع فتنه مطمئن دارید و مژده باد شما را به شمشیربران و سلطه‌ی تجاوزگران ظالم و آشوب فراگیر و استبداد و زورگویی ستمگران به گونه‌ای که نصیبتان اندک و گروهتان بیچاره و مستأصل شود.

ط: تلاش برای وحدت امت اسلامی

حضرت زهرا^۳ در ادامه‌ی بحث از فلسفه احکام، فلسفه امامت را در جمله‌ای کوتاه اما پرمعنا چنین ابراز می‌دارند: «طاعتنا نظاماً للملئه و امامتنا اماناً للفرقه»^۲. اطاعت ما باعث نظام ملت اسلام و امامت ما امان از تفرقه و پراکندگی قرار داده شده است. این دو فراز کوتاه شامل این حقیقت واحده است که مصون بودن دین و نظام اسلام در گرو وحدت بر محور امامت و ولایت است. آن حضرت از طرفی ثمره زحمات پیامبر^۹ در راستای تشکیل حکومت اسلامی را، گرویدن به امامت و ولایت دانسته و از سویی دیگر ولایت و جانشینی را حق اهل‌بیت می‌داند. حضرت با عباراتی کوتاه خاطر نشان می‌کند که تنها راه ثمربخشی شریعت و حفظ وحدت امت اسلامی، پذیرش ولایت اهل‌بیت: و سرسپردگی

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۵.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۷؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱، ص ۴۶۹.

عملی بدان می‌باشد. «حضرت در این فراز آیین اسلام را به مجموعه‌ای متشکل از اعضوها و ارگان‌های متعدد تشبیه می‌فرمایند که ثمربخشی آن در درجه نخست نیازمند یک نظام فرماندهی است که میان همه زیرمجموعه‌ها تعادل و توازنی نتیجه‌بخش برقرار سازد و در درجه دوم وابسته به انسجام زیر مجموعه‌ها با یکدیگر و هماهنگی کامل آن‌ها با خواسته‌های فرماندهی است.»^۱

کلام حضرت ناظر به حدیث معروف ثقلین است که پیامبر^۹، اهل‌بیت را: عدل قرآن و نگهبان اسلام و امت اسلامی معرفی نموده و تمسک به هر دو را سبب نجات از گمراهی دانسته بودند؛ اما اکنون که پذیرش ولایت امام علی^۷ به همراه تمسک به آیات قرآن، این مقصود را حاصل می‌سازد، عده‌ای در صدد جدایی این دو عدل و عدم پذیرش رهبری حضرت علی^۷ هستند که در این صورت می‌بایست در انتظار خطر فرقه‌گرایی و اختلافات و افتراقات فکری امت اسلامی بود. حضرت فاطمه^۳ در مقام دفاع از جایگاه ولایت و وصایت، تنها به بیان ضرورت آن و گزینش الهی حضرت علی^۷ بسنده نمی‌کنند، بلکه دلایل شایستگی امام علی^۷ برای رهبری امت اسلامی را نیز بازگو می‌کنند. از نظر ایشان سبقت حضرت علی^۷ در اسلام و مجاهدات آن حضرت در راه اعتلای اسلام از جمله عللی است که حضرت علی^۷ را برای این مسئولیت شایسته ساخته است: «کَلِمَا... نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ أَوْ فَعْرَتٌ فَاعْرَةُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَحَاهُ فِي لَهْوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفَى حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأُخْمَصِهِ وَ يَخْمَدُ لَهَا بِسَيْفِهِ»^۲. هرگاه شاخ شیطان نمایان می‌گشت و فتنه‌های مشرکان دهان می‌گشود، پدرم برادرش علی^۷ را در کام آن‌ها می‌افکند و آن‌ها را به وسیله او سرکوب می‌نمود و او هرگز از این مأموریت‌های خطرناک باز نمی‌گشت مگر زمانی که سرهای دشمنان را پایمال می‌کرد و بینی آن‌ها را به خاک می‌مالید.

مراجعه به تاریخ اسلام نشان می‌دهد پس از ارتحال پیامبر^۹، جو اجتماعی سیاسی با بحران جدی روبه‌رو شد؛ خطری سه‌گانه و مثلث وار آیین اسلام را تهدید می‌کرد: یک ضلع این خطر امپراتوری روم بود؛ خطر دیگر امپراتوری

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، جامی از زلال کوثر، ص ۱۷۰.

۲. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۷۱.

معرفی می‌فرماید؛ زیرا بر اساس آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»^۲ حیات متعالی و پویای جامعه اسلامی در گرو فرمانبرداری از خدا و رسول خداست و رسول خدا، امام بعد از خود را بر اساس ملاک «عصمت» معرفی نمود و لذا جامعه اسلامی نیازمند به فردی معصوم است که به دور از خطا و اشتباه و گناه، پایه‌های جامعه سعادت‌مند اسلامی را پی‌ریزی و امور آن را هدایت کند. حضرت زهرا^۳ در ادامه سخنان خود با یادآوری کلام رسول‌الله^۹ درباره شخصیت و شأنت حضرتشان و سفارش‌های مؤکد آن حضرت در اینکه خشم و غضب ایشان ملاک و معیار تشخیص باطل است، به معرفی خود می‌پردازد.

حضرت فاطمه زهرا^۳ مسلمانان را به امری فرا می‌خواند که پدر بزرگوارش در طول رسالت خود، در موقعیت‌های مختلف و با بیان‌های متعدد مردم را به آن دعوت کرد که نمونه بارز آن سخنان، «حدیث ثقلین» است که تاریخ نیز گواه صادقی بر گفتار حضرت فاطمه^۳ است؛ چرا که جامعه اسلامی با فاصله گرفتن از اهل‌بیت: و پیروی نکردن از ایشان تاوان سنگینی پرداخت کرد و کار به جایی رسید که پس از گذشت چند سال از رحلت پیامبر^۹ شخص فاجر و فاسقی چون یزید که از اسلام فقط نام آن را همراه داشت، در رأس حکومت اسلامی قرار گرفت و با پدید آوردن فجایعی چون عاشورا و حرّه و ... ننگ ابدی را بر پیشانی جامعه اسلامی حک کرد.

نتیجه‌گیری

در سیره و رفتار معصومین: بین دین و سیاست تفکیکی وجود ندارد و آنان سیاست‌مدارترین بندگان الهی هستند. در میان معصومین سیره و رفتار حضرت فاطمه زهرا^۳ دارای جایگاه ویژه است و به فرموده امام زمان (عج) الگو برای آن حضرت است که عصاره معصومین به شمار می‌آید. با توجه به اوضاع و حوادث

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۷؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۶۹.

۲. انفال، ۲۴.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي و شركاه، بی جا، ۱۳۸۷ ق.
۳. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستی العبسی، المصنف فی الأحادیث والآثار، المحقق کمال یوسف الحوت، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹.
۴. ابن سعد، الطبقات الكبرى، دار الصادر، بیروت، بی تا.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، ۱۳۷۶.
۶. ابن طاووس حلی، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، بی تا، بی جا، ۱۳۹۹.
۷. ابن کثیر، أبی الفداء اسماعیل بن کثیر السیره النبویه، تحقیق مصطفی عبد الواحد، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، ۱۳۹۶.
۸. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، بیروت، دار الأضواء، بی تا.
۹. انصاری، محمدباقر، اسرار فدک، ترجمه سیدحسین رجائی، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۵.
۱۰. آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، ۱۳۷۹.
۱۱. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، مؤسسه الامام مهدی (ع)، قم، ۱۴۱۱.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷.
۱۳. جوهری، احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک، شركة الکتبی للطباعة و النشر، چ ۲، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. حامد توسلی، سوده، وضعیت حقوقی فدک، انتشارات ممتاز، تهران، ۱۳۸۲.
۱۵. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان فاطمه (علیها السلام)، چاپ و نشر بین الملل،

- ۱۳۷۹.
۱۶. رحمانی همدانی، احمد، الإمام علی بن أبی طالب (ع)، المنیر للطباعة و النشر، تهران، ۱۴۱۷.
۱۷. شهیدی، سیدجعفر، زندگانی فاطمه زهرا (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۸. صدر، محمد باقر، فدک در تاریخ، ترجمه محمود عابدی، نشر روزبه، تهران، ۱۳۶۰.
۱۹. صدر، محمدباقر، فدک فی التاريخ، دارالتعاريف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۰.
۲۰. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، الامالی، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۱۷.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، قم، ۱۳۷۹.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن الحسين بن بابويه، عیون أخبار الرضا، صححه وقدام له وعلق علیه العلامة الشیخ حسین الاعلمی، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴.
۲۳. طباطبائی، سید علی، انسان کامل، مطبوعات دینی، قم، ۱۳۸۶.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار النعمان للطباعة و النشر، نجف اشرف، ۱۳۸۶.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۷.
۲۷. طبری (امامی)، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثه، بی جا، ۱۴۱۳.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، دار الثقافه للطباعة و النشر و التوزیع، قم، ۱۴۱۴.

۲۹. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدج، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱.
۳۰. عابدین زاده، محمد، دفاع زهرا (س) از ولایت، سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، تهران، ۱۳۷۶.
۳۱. عاملی، سیدجعفر مرتضی، رنج‌های حضرت زهرا، ترجمه محمد سپهری، تهذیب، قم، ۱۳۸۱.
۳۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵.
۳۳. فتال النیشابوری، روضه الواعظین، شریف الرضی، قم، ۱۳۶۸.
۳۴. فرات کوفی، ابوالقاسم، تفسیر فرات الکوفی، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰.
۳۵. فرهمندپور، فهیمه، سیره سیاسی فاطمه، دانشنامه فاطمی (س)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۳.
۳۶. قمی، عباس، بیت الاحزان فی ذکر احوالات سیده نساء العالمین فاطمه الزهراء (س)، دار الحکمه، قم، ۱۴۱۲.
۳۷. کازرونی، محسن، کوثر قرآن، چاپ مظاهری، ۱۳۷۰.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.
۳۹. لجنة الحديث فی معهد باقر العلوم (ع)، موسوعه شهادة المعصومین، نور السجاد، بی جا، ۱۳۸۰.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴.
۴۱. مسعودی، محمدفاضل، الاسرار الفاطمیه، تقدیم عادل العلوی، الزائر الروضه المقدسه، قم، ۱۴۲۰.
۴۲. مصباح یزدی، محمد تقی، جامی از زلال کوثر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰.
۴۳. المفید، محمد بن محمد، المقنعه، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰.
۴۴. مفید، محمد بن نعمان، مسار الشیعه، دار المفید، بیروت، ۱۴۱۴.

٤٥. موسى، سيد عبدالحسين شرف الدين، المراجعات، مركز الطباعة و النشر
للمجمع العالمي لاهل البيت، قم، ١٤٢٢.
٤٦. واقدى، محمد بن عمر، المغازى، تحقيق مارسدن جونسمؤسسة
الاعلمى، بيروت، ١٤٠٩.